

رویش و زایش خشت و نو شوندگی و نوکنندگی فرش با بررسی گاهان و فرش چالش تر

محمد احيائي

مدرس دانشکده هنر و معماری واحد تهران مرکز، دانشجوی دکتری فلسفه هنر

افسانه قانی

دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان



فصلنامه

علمی - پژوهشی

انجمن علمی

فرش ایران

شماره ۱۷

پاییز ۱۳۸۹



چکیده

بخش ۳ - داده‌ها توصیف، سپس تجزیه و تحلیل و طبقه بندی شدند و پس از آن به دادن پاسخ به پرسش‌ها و آزمون فرضیه توجه شد و فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. بخش ۴ - برای نتیجه‌گیری به تطبیق یافته‌های تحقیق با پیشینه پرداخته شد که نشان از پرتوی نو بر مسائل فرش داشته است. در پایان به محدودیت‌ها و پیشنهادات اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی: گاهان، فرش خشتی، چالش تر، فرشکرد، سوشیانس.

بخش ۱ - مسئله تحقیق این بود که رابطه خشت با فرش چیست؟ با گشودن این رمز علاوه بر مشخص شدن این رابطه باطنی می‌توان بسیاری از موارد تبیین نشده دیگر را درباره فرش روشن کرد.

سپس مفاهیم و متغیرها تعریف شدند و پیشینه مورد بررسی قرار گرفت. بخش ۲ - به روش کار و معرفی جامعه، نمونه و طرح نمونه‌برداری، روش گردآوری داده‌ها، ابزارهای تحقیق، اعتبار و روایی، طرح تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد.

بخش یکم - معرفی

بیان مسئله، اهمیت آن و هدف تحقیق

رویکردها و تبیین‌های «تاریخ هنری» [۲]، فاین آرتی [۳] و استتیک [۴] برآمده و منتج از دیدگاه‌های «تاریخی‌گرایی» [۵] و «تحصیلی» [۶] مدرنیته‌اند و قدمتی در حدود دو سده بیش ندارند و دقیقاً از زمانی که این رویکردها درباره «هنر ایران» رواج یافته، دیگر توجه شایانی به «الگوهای فرهنگ بومی و اصول باطنی، معنوی و عرفانی که «هنر ایران» از آنها بر رسته و بالیده است، نمی‌شود. بدین ترتیب کمبودهای فراوانی درباره تبیین میان پدیدارهای هنری و اصول و معیارهای آنها دیده می‌شود. یکی از این موارد، رابطه باطنی و معنوی خشت و فرش است. مسئله تحقیق این است که موارد تبیین شده و همچنین خلأ اطلاعاتی‌ای درباره «رابطه خشت و فرش» وجود دارد که در اینجا در قالب این پرسش که «رابطه خشت با فرش چیست؟»، مورد تحقیق قرار می‌گیرد. اهمیت حل این مسئله آنجا است که با گشودن این رمز می‌توان علاوه بر روشن شدن این رابطه که در نوع خود روشننگر مسائل باطنی فرش است، بسیاری از موارد تبیین نشده معنوی دیگر را نیز درباره فرش آشکار ساخت. مشخص شدن این رابطه و موارد تبیین نشده و در خلأ مانده، هدف تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

فرضیه

با توجه به متن گاهان، اهمیت و مقام ویژه‌ای برای خشت دیده می‌شود. فرش نیز در جایگاه بلند مرتبه‌ای در زندگی و فرهنگ ایرانی قرار داشته و دارد. بنابراین فرضیه «خشت و فرش در گاهان با خشت و فرش رابطه‌ای باطنی دارد» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش‌های سه‌گانه زیر مطرح‌اند:

۱. مهم‌ترین مقامات خشت و فرش در گاهان کدام است؟
۲. خشت در فرش به چه صورت رخ نموده است؟
۳. رابطه این مقامات در گاهان با خشت و فرش در چیست؟

تعریف مفاهیم

معانی گوناگونی برای خشت، فرش و مقام دیده می‌شود.

۱. در اوستا بصورت ایشتو- ایشتی [۷] در ونیداد ۱/۶ (بهرامی و جنیدی، ۱۳۶۹: ۲۵۷ و ۵۹۳) و به صورت زموئیش و در معنی خشت گلی، آجر از گل ساخته شده در ونیداد ۱/۷ آمده است. (بهرامی و جنیدی، ۱۳۶۹: ۲۵۷ و ۵۹۳)

۲. خشت: آجر خام ناپخته است. (دهخدا، «خشت»)

۳. فرش: بساط افکنده، گستردنی، زیرانداز و قالی است (دهخدا، «فرش»)

۴. مقام: با توجه به گستردگی معانی خشت و فرش در تحقیق حاضر از مقام استفاده شده است که واژه‌ای در خور این فراخی معانی است:

۱. از «ق و م»، اقامت و آرام کردن به جایی، اقامت، ایستادن ... گرفته شده است و با لفظ گرفتن و کردن و داشتن مستعمل است. مقام و مقام هر دو به معنی اقامت و جای قیام آید، زیرا اگر آن را از قام یقوم، بدانیم مقام و اگر از اقام یقیم، به شمار آوریم، مقام خواهد بود و قول تعالی: لا مقام لکم (قرآن ۱۳/۳۳)، ای لاموضع لکم و مقام لکم نیز خوانده شده است؛ یعنی لا اقامه لکم. و قوله: حسنت مستقرا و مقاما (قرآن ۷۶/۲۵) ... به معنی اقامت و قیام محل قیام است. (دهخدا، «مقام»)
۲. منزلت، مرتبه و درجه. (دهخدا، «مقام»)

۳. (در اصطلاح موسیقی) پرده سرود را گویند و آن دوازده است.... گاه، راه....
۴. (در اصطلاح عرفان و تصوف) اقامت بنده است در عبادت در آغاز سلوک، به درجه‌ای که به آن توسل کرده است....
۵. سنگی که حضرت ابراهیم هنگام بنای بیت بر آن ایستاد...
۶. (در اصطلاح نجوم) عددها است نهاده هر کوکی را به هر جای از فلک اوجش که چون خاصه معده او با مقام راست شود آن وقت کوکب مقیم باشد ایستاده. (دهخدا، «مقام»)

تعریف متغیرها

متغیرهای اصلی، «خشت و فرش» می‌باشند و از آنجا که متغیرهای تحقیق حاضر در سطح انتزاع بالایی قرار دارند، به صورت «عملی» تعریف نمی‌شوند و مهم‌ترین تعاریف «مفهومی» از آنها به صورت زیر ارائه می‌شود:

خشت: به معنی رُستن، رویدن، رشد، استحاله و گسترش یافتن (Peterson, 1995)؛ بسط دهنده (عالیخانی، ۱۳۸۶)؛ نشان دادن و ساکن کردن در صلح و آرامش (جعفری، ۱۳۷۹: ۶۸)؛ ملکوت (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۶۸) و اقتدار معنوی (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۹۲).

فرش: تازه، نوین، خرم، باروح، زنده، با نشاط (Peterson, 1995)، تازه گرداندن (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۱۲۳) ... گسترده تتازه کننده عالم است (Peterson, 1995)؛ ناجی (Pe-terson, 1995) به نام‌های سوشیانس و واستریه [۸] خوانده شده است. (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۱۲۶)

بررسی پیشینه تحقیق

پیشینه عبارت از تمامی یا مهم‌ترین بخش‌های ادبایستی است که درباره موضوع وجود دارد. پیشینه یا بخش‌هایی
از آن ممکن است صحیح، کامل، ناروا، ناقص، اشتباه یا دچار تناقض باشد. این یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل و تفسیر آنها است که به عنوان نتیجه‌گیری نشان خواهد داد که پیشینه، تأیید شده یا مردود است. بدین منظور برای پیشینه به دو بخش مرتبط با فرضیه و مرتبط با نقش خشتی، توجه شده است.
بررسی پیشینه در آثار نوشتاری و همچنین بررسی میدانی در شهرکرد و چالش‌تر نشان می‌دهد که برای فرضیه مورد نظر تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است.
پیشینه موجود در مورد نقش خشتی نشان می‌دهد که فقط به شباهت ظاهری با خشت و انواع تجلی آن در دیگر آثار یا فرش نقاط مناطق گوناگون توجه شده و شامل موارد زیر است:
۱- نقشه‌های خشتی چالش‌تر از نقشه‌های قم - که بسیار قدیمی‌ترند - و مود خراسان برگرفته شده‌اند. (جمعی از تاجران، ۱۳۸۶)
۲- نقشه‌های خشتی چالش‌تر از معماری قلعه چالش‌تر و دزدک و نقاشی دیواری آنها اقتباس شده است. (جمعی از تاجران، ۱۳۸۶)
۳- نقشه‌های خشتی چالش‌تر مشابه خشت‌های مورد استفاده در معماری است. (بابایی، ۱۳۸۶)
۴- نقشه‌های خشتی چالش‌تر از باغ و نقشه گلستان نشأت گرفته‌اند. (حصوری، ۱۳۸۱: ۳۱)

بخش دوم - روش

جامعه

«مَرَدِیَسِنَا [۹] و هنر مقدس ایران»، جامعه آماری تحقیق حاضر را تشکیل داده‌اند.

۲- نمونه و طرح نمونه‌برداری

طرح نمونه برداری به صورت «قضاوتی» بوده است. بنابر

اهمیتی که هم از نظر معنوی و هم از نظر خاص بودن نقشه داشته اند، دو نمونه ۱- گاهان و ۲- فرش خشتی چالش تر، انتخاب شده‌اند.

۳- روش گردآوری داده‌ها

گردآوری به صورت میدانی با استفاده از مصاحبه، بازدید از میدان تحقیق، کتابخانه‌ای و با استفاده از کتاب‌های الکترونیکی و از طریق تار جهان گستر بوده است. برای فرش چالش تر از طریق مصاحبه، بررسی میدانی و عکس‌های موجود در آرشیو استفاده شده است.

۴- ابزارهای تحقیق

از کتاب، مقاله، اینترنت، دوربین عکاسی و فیش‌های تحقیقی و مصاحبه در انجام بررسی حاضر استفاده شده است.

۵- اعتبار و روایی

در این تحقیق از منابع دارای دقت و صحت بالا استفاده شده است.

۶- طرح تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق برای راه بردن به اصول و معیارهای باطنی و سرچشمه‌های فرش، از روش پدیدارشناسی [۱۰]، استفاده شده است. نخست به توصیف داده‌ها و پس از آن با دسته‌بندی آنها به تجزیه تحلیل آنها و به عنوان نتیجه‌گیری به تطبیق با پیشینه پرداخته می‌شود. در این گزارش از سبک نگارشی ای پی ای [۱۱]، برای تهیه گزارش پژوهشی (هومن، ۱۳۷۸: ۶۰) استفاده شده است.

بخش سوم - یافته‌ها

توصیف داده‌ها

گاهان

خشت

۱. «اُخشیته» [۱۲] به معنی پوش و پاشیدن؛ رُستن، رویدن،

رشد، استحاله و گسترش یافتن». (Peterson, 1995)

۲. به صورت «اُخشیته» [۱۳]، صفت فاعلی است به معنی بسط و [گسترش] [۱۴] دهنده» (عالیخانی، ۱۳۸۶) و

همچنین در صورت «اُخشیو» [۱۵] به معنی «می‌روی»

(عالیخانی، ۱۳۷۹: ۷۴)؛ و به صورت «اُخشیا» [۱۶] به

معنی «بروی» در قطعه ۳۳/۱۰: «... (ای مزدا) به وسیله

وهومنه‌ی مقرون به خشره و به وسیله اشه در جان و تن

ما بروی (= تجلی کن)». (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۱۲۲)

۳. خَشْرَه [۱۷] از ریشه خشی به معنی نشانیدن و ساکن

کردن در صلح و آرامش، به قاعده در آوردن مسکن،

یعنی «نیروی» که مردم را به صلح اندر آورد. (Jafarey, 1989, 72)

۴. ... خشره در گاهان احیاناً به معنی ملکوت به کار رفته

است. (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۶۸)

۵. در گاهان و یسنه هفت‌ها، خشره به معنی اقتدار معنوی

است (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۹۲)، ... زردشت به راز قدرت

معنوی آشنا است، قدرتی که زوال نمی‌پذیرد [۱۸] و در

قطعه ۲۸/۳ از خشره زوال ناشدنی سخن می‌گوید؛ همین

قدرت معنوی است که شکوفایی [۱۹] به بار می‌آورد و

عالم را تازه می‌گرداند.... (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۹۳)

فرش

۱. فَرَش [۲۰]: پیش؛ تازه، نوین، خرم، باروح، زنده، با

نشاط. (Peterson, 1995)

۲. فَرِشَم [۲۱]: «... تازه گرداندن [در ترجمه قطعه ۳۰/۹

] (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۱۲۳)».

۳. فَرِشوکَرِ تَرَم [۲۲]: آنکه گسترنده و تازه کننده عالم

است. (Peterson, 1995)

۴. اُخشیته اَرَتَه [۲۳]، اُخشیته نِمَه [۲۴]، اِستَوَتَه اَرَتَه [۲۵]

(سوشیانس) که:

۵. «(به ترتیب در زبان پهلوی اوشیدر، هوشیدرماه

فرش خشتی چالش تر

در بررسی پنج نقشه خشتی چالش تر که در مجموع دارای یک صد خشت بوده‌اند، نتایج زیر حاصل شد:

هندسه نقوش نشان می‌دهد که ظهور خشت بر نمونه‌های تحقیق به صورت واحدهایی مشابه است که بیشتر چارگوش‌اند و برخی در زاویه‌ها تفاوت دارند ولی همگی صور متکثر مکرر واحدند که مانند ذکری مدام تجلی می‌کنند. نوع ویژه‌ای از نظام در حاشیه‌ها به صورت متکثر واحد دیده می‌شود که وحدت در کثرت را آینه می‌گرداند؛ خشت‌ها دارای تکرار و نظم خاص‌اند و برای این نظم رموز خاصی متصور می‌شود. «دست دلبر» که دسته گلی در دست است، بهترین رمز حضور دلبرانه آدمی برای کارکردهای پیمان، دوستی، محبت، محافظت و برکت است. در این واحدها، صور گیاهی و جانوری نیز دیده می‌شوند که گاهی در واحدی هر دو گونه با هم و در کنار یکدیگر ظاهر شده‌اند. ویژگی اصلی و ممتاز دیگر همانا خصایل مثالی‌اند که مهم‌ترین آنها خاصیت آینگی است. در رمزگشایی فرش خشتی چالش تر، خشت‌های مکرر گسترده به صورت چارگوش، رمز برکت و گسترش حق در چارگوشه عالم و به اندازه در آمدن آفرینش و نو شدن و نوکردن آن در رموز صور مثالی آدمی و این همه تمثال‌های گل و گیاه و جانوران‌اند که در میان خشت‌ها، پیرامون آنها و در حاشیه‌ها، تکثر واحد و واحد متکثر مثالی است.

هندسه نقوش نشان می‌دهد که بیش از ۹۰٪ از خشت‌ها بر فرش چالش‌تر، کاملاً چارگوش و بقیه چارگوش‌هایی با اضلاع کمی منحنی‌اند و تفاوت دیگر در زاویه چرخش آنها است. با آنکه خشت‌ها در ظاهر به هم شبیه‌اند ولی گویی از باطنشان گوناگونی برون می‌تراود. ولی همگی صور متکثر مکرر واحدند و اینجا با تأکید بر صورت

سوشیانس (نخستین، دومین و سومین ناجی و نوکننده دین زردشت، که به طور حیرت‌انگیزی از تخمه زردشت در دریای کیان سوه به [دوشیزگانی] بار گرفته شده به دنیا می‌آیند (Bartholomae)). «سوشیانس، ولی، نیروبخش، ناجی، رهایی‌بخش، نیکوکار، پیامبر، رهبر دین، ناجی آینده، مسیح (Peterson, 1995)».

[در گاهان] سوشیانس ... واستریه [۲۶]، خواننده شده است. سوشیانس یعنی «کسی که برکت خواهد بخشید» ... لفظ واستریه به معنی شبان است ... [و شبان رمزی است برای سوشیانس] تا درویشان را نصرت کند و مظلومان را رهایی دهد. (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۱۲۶) در قطعه ۴۴ / ۱۰ آمده است: این از تو پرسم به درستی بگوی مرا ای اهوره، سرآغاز بهشت چگونه باشد؟ آن که خوشی‌ها را اعاده خواهد کرد تا از آن بهره‌مند شویم، او متبارک است به وسیله اشته (و) به وسیله مینیو نتیجه (اعمال)، همگان را می‌بیند؛ اوست درمانگر عالم و یار ای مزدا. (عالیخانی، ۱۳۷۹، ۱۲۷) در این قطعه به علم نافذ ... [سوشیانس] در زمین اشاره شده است که حتی آثار اخروی اعمال را به دیده غیب‌بین خویش می‌نگرد... سوشیانس گاهانی عنوانی است عام که بر سلسله... [ناجیان] اطلاق شده است.

در قطعه ۴۸/۱۲ آمده است: «و آنها «سوشیانس‌ها»ی ایالت‌ها [دهیونام، استان‌ها، سرزمین‌ها] [۲۷] خواهند بود، کسانی که به وسیله وهومنه در پی معرفت بر می‌آیند، به وسیله کردارهای (مبتنی بر) گفتار توای مزدا، (کردارهای) به حق، آنها دشمنان جاهلیت [۲۸] مقدر شده‌اند، که باشند».

در قطعه ۳۴/۷ نیز آمده است: «کجایند آن چالاکان ای مزدا، که با دریافتن حکم‌ها و میراث‌های وهومنه، نعمت و غم را به شادی بدل کنند، حقیقتاً کسی جز شما نمی‌شناسم، بنابر این ما را یاری کنید. (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۱۲۸)

چارگوش، رمز آفرینش به اندازه در آمده و برکت حق تلقی می‌شوند. این تکثر واحد چون ذکری مدام عمل می‌کند که هم جنبه آفرینشی و نزولی و هم جنبه نوکردن و رجوعی دارد. لازم به توضیح است که از دیدگاه معرفتی عرفا، در قوس نزولی است که از واحد، خلق نازل، پدیدار و متکثر می‌شود و در قوس صعودی برای رجعت به اصل، به واحد می‌گراید؛ یعنی نو شدن رخ می‌دهد که هندسه نقوش به خوبی این موارد را تأیید می‌کند.

این رمز در صورت مکرر حاشیه‌ها نیز به گونه‌ای دیگر رخ می‌نماید که تفاوت ظریفی با صورت متکثر مکرر واحد دارند، چنان که برخی از صورت خشت‌ها در کنار هم حاشیه‌های متکثر واحد را می‌سازند که خشت‌های میانی را در برگرفته و محافظت می‌کنند. این حاشیه‌ها خود بر دو گونه‌اند: آن دسته که در میان خشت‌ها فاصله‌ها را پر می‌کنند و همچنین آنها را در برگرفته و مراقب‌اند، به نامی که فرش‌بافان چالش تر خوانده‌اند، لفظ بسیار با معنی قلمدان دارند که خود از نقش‌های محرمات به شمار می‌آید و این نقش‌ها در اینجا نیز کارکردهای رمزی خود را در کنار خشت دارند و باقی، حاشیه‌های مکررند که پشت در پشت هم از صورت متکثر مکرر و همچنین وحدت در کثرت درون فرش - هم خشت‌ها و هم متن - محافظت می‌کنند و این پدیداری فرح‌بخش را ظاهر می‌کند که همانا کلیت واحد خود فرش، رمز خشتی یکپارچه است که این همه را وحدتی منظم در کثرت بخشیده است. تکرار خشت‌ها و صورت درونی‌شان در نظم خاص و با رعایت فاصله‌ای است که در مجموع صورت مکرری را پدید می‌آورند که رمز برکت برای زایش و رویش و گسترش آنها و همچنین رمزی برای ذکر با کارکرد رجوعی به مرتبه بالا است. این حقیقت که کل پیکره فرش نیز در حکم یک خشت است، باطن حقیقتی

است که در آن، در نزول آفرینشی و نو شدن و رجعت با یاری از ذکر، واحد به متکثر و متکثر به واحد تبدیل می‌شود. از متکثر به واحد و از واحد به متکثر رسیدن، این حقیقت را آشکار می‌کند که فرش آدمی و وجود را در دور هستی قرار می‌دهد و با توجه به رویش و زایش و نو شدن مطرح در خشت، فرش آینه تمام‌نمای هستی است. نقشی که در طرح‌های قدیمی‌تر به صورت تک خشت وجود دارد، به روایت بافندگان چالش‌تر، طرح «دست دلبر» و آن «دسته گلی در دست دلبری نازنین» است که بهترین رمز حضور آدمی - خلیفه الله - با حجت آشکار و کارکردهای پیمان، عشق، دوستی، محبت، محافظت برکت و تازه‌کنندگی و نو شوندگی و رجعت است.

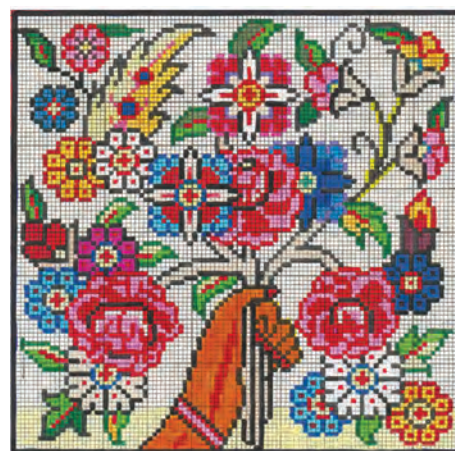
در ۷۰٪ از خشت‌ها، صورت مثالی گیاهی (درخت سرو، کاج و بید مجنون، گل‌های شاه عباسی، بته جقه، انواع گل‌های پنج و هشت‌پر و انواع برگ‌ها) و در ۳۰٪ خشت‌ها، صورت مثالی جانوری و گیاهی (طاووس، گنجشک، آهو و مار) آشکار است و در برخی از آنها هر دو گونه دیده می‌شوند. گیاهان، رمز رویش و جانداران، رمز زایش حق‌اند که هر دم، در ظهورشان برکت می‌بخشند و هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرند. درخت - به ویژه سرو، نماد رشد و رویش جاودانه، فنا ناپذیری و قابلیت اعطاف است و رمز سرچشمه زندگی است که در عین واحد بودن در شاخه‌های بی‌شمار، تکثر می‌یابد. برای جانداران دیگر نیز رمز اصلی پویش و پرواز و تولد است که به تأکید رسیده و به وفور دیده می‌شود. ویژگی ممتاز این صورت‌دارا بودن خصلت‌های ملکوتی و مثالی است که به صورت نبودن پرسپکتیو یک نقطه و دو نقطه‌ای، عدم ناتورالیسم، عدم حضور سایه پوشاننده، استفاده از رنگ‌های خاص، پرکنندگی و گسترش طرح‌ها و واگیره‌ها، معلق بودن، خاصیت آیینگی و تازگی جاودانه، ظهور یافته است.

رمزگشایی فرش خشتی چالش تر، با کشف رمز نیروی ذکری ممکن است که در خشت‌های مکررگسترده به صورت چارگوش نهان شده است و رمزبرکت و گسترش حق در چارگوشه عالم و به اندازه در آمدن و در آوردن آفرینش و نو شدن و نو کردن و رجعت آن در رموز صور مثالی آدمی است و این همه، تمثال گل و گیاه و جانوران‌اند که چون حلقه‌های ذکرهایی مدام، هم در میان خشت‌ها به صورت منفرد و پیرامون آنها و در حاشیه‌ها تکرر واحد است و هم در فرش به مثابه خشت، واحد متکرر مثالی است.

گاهان و فرش خشتی چالش تر

خشت بر فرش و فرش خشت‌گون با صور مثالی خاصی از آدمی، گیاهان و جانوران، رمزی از بهشت آسمانی بر روی زمین است. این صور در قالب فرش خشتی، بافته‌ای تمثیلی است که بهشت و جاودانگی را با گستردن فرش در خانه همه مردمان و بناهای دیگر بگسترند. «ذکر» خشت‌ها بر فرش چالش تر چون تذکر و یادآوری مقام نغمه‌ای دل‌بافته است که منیت نفس اماره و تیرگی و تاری و تجسد تن را کنار می‌زند و از آن، آهنگ بهشت شنیده

می‌شود و صوری را می‌تابد که در عالم بالا است [۲۹] و در شکل رمزی‌شان، راهی برای رسیدن به بهشت و در نهایت به حقیقت هستی‌اند. در آن مقام که خشت یا صور مکرر واحد و ظهوراتی که بر آن چون واحد متکرر می‌رویند و می‌زاینند و در کل پیکره فرش چون خشتی واحد، تکرار می‌شود، آفرینشی رخ می‌دهد که همان ظهور صور عالم مثال با تمام ویژگی‌شان است. بدین ترتیب خشت، کارکرد بس مهم باطنی برای گسترش آرامش و جاودانگی دارد و فرش، کارکرد مثالی و ملکوتی تازه‌کنندگی دارد. خشته در وجه تشبیهی، پدیداری ملکوتی و آینه تمام‌نمای ملکوت حق است. خاصیت نو شوندگی فرش زمانی حجاب از رخ بر می‌افکند که در دور قرار گیرد؛ یعنی خشته به فرش و فرش به خشته تبدیل شود. خشته، باطن و نیروی گستردن فرش است و فرش، پدیداری است که نیروی خشته در آن آشکار و ظاهر می‌شود. آشکارگی دوباره ظهور ملکوت در مقام خشته و فرش، به یاری ذکر و در رجعت، رستاخیزی می‌شود که رمز نو شوندگی و نو کنندگی با حضور و «دست دلبر» (تصویر ۱۷) یا دست سوشیانس و ناجی است که «می‌آید که برکت و رهایی» بخشد. (تصاویر ۳ تا ۸)



تصویر ۱۷: دو خشت یا صورت مثالی دست دلبر



تصویر ۳: فرش خشتی



تصویر ۵



تصویر ۶



تصویر ۷ و ۸

تجزیه و تحلیل

مقصود از تجزیه تحلیل، « دسته‌بندی، مرتب و خلاصه کردن داده‌ها به منظور دستیابی به جواب پرسش‌های تحقیق » است. (حیدری، ۱۳۷۸: ۶۰) بنابراین داده‌ها این‌گونه دسته‌بندی می‌شوند:

کارکردهای به دست آمده برای خشت و فرش در گاهان:

- ۱) زایش و رویش
- ۲) گسترش
- ۳) آرامش بخشیدن با ساکن کردن
- ۴) ملکوتی و مثالی
- ۵) شکوفایی و تازه‌کنندگی عالم

فرش:

- ۱) تازه، زنده و باروح
- ۲) تازه گرداندن
- ۳) گسترش عالم
- ۴) برکت‌بخش

۵) نیرو بخش

۶) رهایی بخش

۷) تازه کننده عالم

کارکردهای به دست آمده برای فرش چالش تر:

- ۱) ظهور زایش و رویش
- ۲) برکت و تکثر در عین وحدت
- ۳) نظم و تعادل و تقارن
- ۴) گسترش در چهار جهت
- ۵) محافظت
- ۶) ملکوتی و مثالی بودن
- ۷) رجعت و تازگی جاودانه به نیروی ذکر تمثیلی

پاسخ به پرسش‌های تحقیق

پرسش‌های تحقیق چنین بودند:

۱. مهم‌ترین مقامات خشت و فرش در گاهان کدام است؟
۲. خشت در فرش به چه صورت رخ نموده است؟

۳. رابطه مقامات خشت و فرش در گاهان با خشت و فرش در چیست؟
با توجه به تجزیه و تحلیل، پرسش‌های مطرح چنین پاسخ داده می‌شوند:

- ۱- زایش و رویش، گسترش، آرامش، تازه کردن عالم، ملکوت و تازه گرداندن عالم است.
- ۲- ظهور رویش و زایش، برکت و تکرر درعین وحدت، نظم و تعادل و تقارن، گسترش در چهار جهت، محافظت، ملکوتی و تمثیلی بودن و تازگی جاودانه است.

آزمودن فرضیه

فرضیه این بود که «خشت و فرش در گاهان با خشت و فرش رابطه‌ای باطنی دارد». با توجه به یافته‌ها و پاسخ پرسش‌های تحقیق، می‌توان گفت فرضیه مثبت بوده است و تأیید می‌شود.

بخش چهارم - بحث

نتیجه‌گیری

- ۲- تطبیق میان یافته‌ها و پیشینه تحقیق
اکنون برای نتیجه‌گیری و تفسیر، آرای مطرح شده در پیشینه، با نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل به سنجش در می‌آید. آرای مطرح در پیشینه، اینها بودند:
۱- نقشه‌های خشتی چالش تر از نقشه‌های قم - که بسیار قدیمی‌ترند - و مود خراسان برگرفته شده‌اند. (جمعی از تاجران، ۱۳۸۶)
- ۲- نقشه‌های خشتی چالش تر از معماری قلعه چالش تر و دزدک و نقاشی دیواری آنها اقتباس شده است. (جمعی از تاجران، ۱۳۸۶)
- ۳- نقشه‌های خشتی چالش تر مشابه خشت‌های مورد استفاده در معماری است. (بابایی، ۱۳۸۶)

۴- نقشه‌های خشتی چالش تر از باغ و نقشه گلستان نشأت گرفته‌اند. (حصوری، ۱۳۸۱: ۳۱)

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق رویکرد «تاریخی‌گرایی» و تاریخ خطی را نشان نمی‌دهد و دیدگاه‌های «تحصلی» را تأیید نمی‌کند. بنابراین هیچ کدام از نظریات موجود در پیشینه را تأیید نمی‌نماید، بلکه پرتو نوینی بر فرش انداخته و حجت آشکاری است برای رابطه ناشناخته باطنی فرش و صور آن با رموز گاهانی که همواره در تاریخی دوری در فرش ظهور کرده و حقایق ازلی را به آشکارگی کشانده است.

محدودیت‌های تحقیق

مهم‌ترین محدودیت تحقیق این بوده که به گاهان و فرش چالش تر محدود مانده است. دیگر اینکه فقط خشت در فرش چالش تر مورد بررسی قرار گرفته و به دیگر صور توجهی نشده است. مواردی چند در مورد خشت و رابطه آن با دیگر مقامات و صور وجود دارد که بسیار گسترده‌اند و در این تحقیق به آنها پرداخته نشده است. محدودیت مهم دیگر این است که نقش شاه حکیمانی چون «کیخسرو مبارک» مورد توجه قرار نگرفته است؛ بنا بر اوستا و اشاراتی در متون پهلوی و شاهنامه، وی بهشت آسمانی کنگ را که پدر بزرگوارش، سیاوش در آسمان بر ساخته بود، به زمین منتقل کرد و همچنین در این متون از وی به نام نامی «دلبر» یاد شده است. با توجه به اینکه او از مهم‌ترین ناجیان ایران و از بزرگ‌ترین شاهان حکیمان اشرافی است و در پایان کار سترگ خویش و پس از پیروزی کامل بر دشمنان، قدرت دنیا را به هیچ گرفت و به معراج رفت، شایسته است برای تکمیل تحقیق، تمامی موارد مربوط به این دلبر دلبران ایران باستان را نیز مورد

توجه و بررسی دقیق قرار داد؛ آنچه به دلیل محدودیت حجم متن به ۱۵ صفحه، در این ویراست میسر نشده است.

پیشنهادهای تحقیق

پیشنهاد می‌شود برای ادامه تحقیق و رفع محدودیت‌های آن، دیگر منابع مَزْدِیَسْنَا و کتب مقدس و عرفان ایران نیز بررسی شوند. دامنه تحقیق می‌تواند موارد فراوان دیگری غیر از خشت را نیز در فرش ایران در برگیرد. روابط دیگری را می‌توان برای خشت با دیگر مقامات و صور بررسی کرد. بررسی رابطه «بهشت آسمانی سیاوش گرد با بهشت کنگ (کنگ دژ) دلبرِ دلبرانِ ایران باستان، کیخسرو مبارک، و معراج او و ناپدید شدنش با نقوش دایره و چارگوش در آغاز و پایان دوره‌های وجودی»، در ویراست مفصل‌تر دیگری از تحقیق بسیار مورد نیاز است.

پی‌نوشت

[۱]. بخش‌هایی از ویراستِ نخستِ این تحقیق، در اردیبهشت ۱۳۸۷ در «نخستین سمینار و جشنواره تخصصی طرح، نقش و رنگ فرش دستباف» در دانشگاه شهر کرد و فقط به صورت سخنرانی پاورپوینت ارائه شده است. از آن رو که چاپ مقالات در دستور کار این سمینار قرار نگرفت و مخاطبان از دسترسی محروم ماندند، ویراست کنونی این تحقیق با برخی تجدید نظرها و افزوده‌ها، منتشر شده است.

- [2]. History of art or Art history
- [3]. Fine art
- [4]. Aesthetic
- [5]. Historism
- [6]. Positivism
- [7]. Istva-istya

[8]. Vastrya

[۹]. دین پیامبر ایران اشوزرتشت اسپنتمان موسوم است به مزد یسنا. این کلمه صفت است و به معنی پرستندهٔ مزدا که اسم خدای یگانه است و بسا با صفتِ زرتشتی یک جا استعمال شده است که به معنی دین آورنده زرتشت است. (اوشیدری، ۱۳۷۱، ص ۴۳۴)

[10]. Phenomenology

[11]. American Psychological Association (APA),

[12]. uxshyeiti [vaxsh]:8 (pres. Act. 3/1) sprinkles (t133, b1338); to grow, to wax (k454)

[13]. Uxshyeita

[۱۴]. مطالب داخل قلاب [] از محمد احیائی است.

[15]. uxsyo

[16]. Uxsya

[17]. Khshathra: derived from khshi, meaning to settle in peace, to rule a settlement, it denotes the "power" to settle people in peace.

[۱۸]. حافظ: دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال بی تکلف بشنو دولت درویشان است ، به قطعه ۴/۵ گاهان نگاه کنید

[19]. varez

[20] frasha [-]: 14 (I) forward; fresh, new

frashô-carethrām [frashô-caretar] 6 (plG) one who promotes (the renovation of the world) (k350)

[21]. frashem :7 (A)

[22]. frashô-carethrām [frashô-caretar] 6 (plG) one who promotes (the renovation of the world) (k350)

[23]. uxshyat-ereta [Phl. Aushedar] (m) The first of the three saviors, sons of Zarathushtra, who will

محیی حکمت اشراقی ایشان دانسته بود. سوشیاتس به صورت مفرد دارای نقش صفت فاعلی از دستگاه فعلی «آینده» به شمار می‌آید (عالیخانی، زیر نویس ص ۱۴۴) و به معنی «خاص» و همان «سوشیانس»های سه‌گانه معطوف به آینده‌اند که در بالا نام برده شده‌اند. توضیح بیشتر در این مختصر نمی‌گنجد و نظر به اهمیت فراوان این مهم به آینده موکول می‌شود.

[۲۸]. مطابق گاهان در قطعات ۳۱/۱۸، ۳۲/۳، ۳۲/۵، ۳۲/۹، ۳۲/۱۲، ۳۲/۱۳، ۳۲/۱۴ و ۳۲/۱۵ و تعداد دیگری از قطعات، «اِشمه» اشاره روشن به نوعی خاص از جهل و نادانی است. این جاهلیت به تلقین «گرهمه»ها و توسط کوی‌ها و کَرین‌ها به عنوان دستیارانشان آموزش داده و اجرا شده است. گرهمه‌ها به دروغ مدعی امامت و رهبری خلاق‌اند ولی در حقیقت ساحران سیاهدل طریق تاریکی و ستمگرانی بی‌عنان بیش نیستند. برای اِشمه، معنی خشم نیز در نظر گرفته شده است که با توجه به توقف و رجحان علی نادانی بر خشم، این معنی درست می‌نماید.

[۲۹]. ما همه اجزای آدم بوده ایم
در بهشت این نغمه‌ها بشنوده ایم (مولانا)

منابع و مأخذ

فارسی

۱. اوشیدری، جهانگیر، (۱۳۷۱). دانشنامه مزدیسنا. چاپ اول. نشر مرکز. تهران.
۲. بابایی، علی، [مسئول کارگاه رنگرزی شرکت تعاونی فرش دستباف شهرکرد]، (۱۳۸۶). گفتگوی حضوری، (۸۶/۱۰/۱۴)

be conceived miraculously from seed preserved in lake Kasaoya.. Cf. yt13.128

[24]. uxshyat-nemah [Phl. Aushedar-mah] (m) The second of the three saviors, sons of Zarathushtra, who will be conceived miraculously from seed preserved in lake Kasaoya.. Cf. yt13.128.

astvat-ereta (m) The Saoshyant (Savior), last of the three Saoshyants, sons of Zarathushtra, who will be conceived miraculously from seed preserved in lake Kasaoya. Cf. yt13.110, yt13.117, yt13.128-129, yt19.92, yt19.45.

[25]. astvat-ereta (m) The Saoshyant (Savior), last of the three Saoshyants, sons of Zarathushtra, who will be conceived miraculously from seed preserved in lake Kasaoya. Cf. yt13.110, yt13.117, yt13.128-129, yt19.92, yt19.45.

[26]. vastrya

[۲۷]. در باز گشایی رموز اوستا و به ویژه گاهان، نکات بسیار خرد ولی مهمی موجود است که بدون دقت کامل در آنها بعید است راهی به گشودگی هموار شود. از جمله فرق بسیار ظریف میان «سوشیانس‌ها» و «سوشیانس» است. اینکه سوشیانس‌ها جمع بسته و به استان‌ها و سرزمین‌ها (دهیونام) مربوط شده‌اند، حداقل دو مورد مهم را نشان می‌دهد: نخست آنکه ایشان یکی نیستند و سه تا هم (طبق روایات زرتشتی) نبوده‌اند و دوم اینکه زردشت ایشان را لایق دانسته که به هر سرزمینی حاکم باشند. می‌توان به همین قیاس از حکیمان حاکم یا شاهان نجات‌بخش مانند کیومرث، هوشنگ، فریدون و به ویژه کیخسرو نام برد که همگی در حکمت اشراق سهروردی از جمله شاه حکیمان اشراقی‌اند و سهروردی خود را

۳. بهرامی، احسان و جنیدی، فریدون. (۱۳۶۹). فرهنگ واژه های اوستا، چاپ نخست، دفتر سوم، نشر بلخ، تهران.
۴. جمعی از تاجران فرش چالش تر، (۱۳۸۶). گفتگوی حضوری، (۱۲ / ۸۶/۱۰)
۵. حَـصوـری، علی، (۱۳۸۱). مبانی طراحی سنتی در ایران. چاپ اول. نشر چشمه. تهران.
۶. هومن، حیدرعلی، (۱۳۷۸). راهنمای تدوین گزارش پژوهشی رساله و پایان نامه. چاپ اول. نشر پارسا. تهران.
۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. چاپ دوم از دوره جدید. انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. تهران
۸. عالیخانی، بابک، (۱۳۷۹). بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران.
۹. عالیخانی، بابک، [دکترای فرهنگ و زبان های باستانی ایران، عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران] (۱۳۸۶)، گفتگوی حضوری، ، تهران، ۸/۶، ۱۳۸۶.

لاتین

10. C. Bartholomae, Altiranisches Wörterbuch, <<http://www.avesta.org/znames.htm>>
11. Peterson, Joseph H.(1995). Dictionary of most common AVESTA words
<www.avesta.org>
12. Jafarey Ali A(translator).(1989). THE GATHAS, OUR GUIDE , the thought-provoking divine songs of Zarathushtra, First Edition: June , Published by: Ushta Inc. P.O. Box 2160 Cypress, CA 90630- Printed in the United States of America.



فصلنامه

علمی - پژوهشی

انجمن علمی

فرش ایران

شماره ۱۷

پاییز ۱۳۸۹

